



Editor - in chief lecture

A new view at Islamic education¹

Mohammad Hossein Zarei Rezaei

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies,
Farhangian University, Ayatollah Taleghani Campus, Qom, Iran.
zareii435@gmail.com

Abstract

In this article, the important and prominent aspects of Islamic education and the need to pay attention to this area have been explored. In this regard, after a brief look at the historical background and developments in Islamic education, especially in recent decades, the need for a specialized view of Islamic education from various dimensions has been discussed, including attention to special educational sciences of Islamic education (Psychology of the evolution of religiosity, Philosophy of religious education in general, And the philosophy of religious education specific to children and adolescents, Sociology of religious education, Philosophy of religious education curriculum, the theory of religious learning, Introduction to art and artistic skills, religious counseling), attention to changes in education religious, paying attention to the training of teachers and researchers of religious education and paying attention to the purpose of religious education.

Keywords: Religious Education, Education, Islamic Education, Religious Education, Farhangian University.

1. Copyright © the authors
<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>



نگاهی دوباره به آموزش معارف اسلامی

محمدحسین زارعی رضایی

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس آیت الله طالقانی،
قم، ایران. zareii435@gmail.com

چکیده

در این نوشتار به صورت اجمال، ابعاد مهم و برجسته آموزش معارف اسلامی و ضرورت توجه به این حوزه مورد کندوکاو قرار گرفته است. در این راستا، بعد از نگاهی گذرا به پیشینه تاریخی و تحولات آموزش معارف اسلامی به ویژه در دهه‌های اخیر، ضرورت نگاهی تخصصی به آموزش معارف اسلامی از ابعاد گوناگون مورد بحث قرار گرفته است، از جمله توجه به علوم تربیتی خاص آموزش معارف اسلامی (روان‌شناسی تحول دینداری، فلسفه تربیت دینی به‌طور عام، و فلسفه تربیت دینی خاص کودک و نوجوان، جامعه‌شناسی تربیت دینی، فلسفه برنامه درسی تربیت دینی، نظریه یادگیری دینی، آشنایی با هنر و مهارت‌های هنری، مشاوره مذهبی)، توجه به تغییرات در ارکان تربیت دینی، توجه به تربیت مدرس و پژوهشگر تربیت دینی و توجه به هدف تربیت دینی.

کلیدواژه‌ها: تعلیمات دینی، آموزش، معارف اسلامی، تربیت دینی، دانشگاه فرهنگیان.

دروس تعلیمات دینی هم‌زمان با تأسیس مدارس جدید، در برنامه درسی آنان گنجانده شد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، دغدغه اسلامی کردن دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی موجب شد علاوه بر مدارس و آموزش و پرورش، دروس معارف اسلامی با تصویب شورای انقلاب فرهنگی - به عنوان دروس عمومی - به برنامه درسی همه رشته‌های تحصیلی دوره کارشناسی دانشگاه‌ها افزوده شود. تربیت انسان‌های الهی و هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلامی که تعبیر دیگری از انسان متدین است، به‌عنوان هدف غایی آموزش دروس معارف اسلامی، وظیفه اصلی نظام آموزشی محسوب می‌شود. هدف از آموزش این دروس ایجاد باور، احساس و التزام به دین و تقویت دینداری در دانش‌آموزان و دانشجویان می‌باشد. ایده‌ای که برای تحقق این هدف از آغاز مورد توجه قرار گرفت، این بود که متخصصین و کارشناسان معارف اسلامی از توانایی لازم برای تحقق این اهداف برخوردار باشند. لذا، به لحاظ تاریخی، معلمان و اساتید یا از بین افراد آشنا با معارف اسلامی - به طور عموم از بین روحانیون - گزینش می‌شدند و یا در دوره‌های تربیت معلم دینی، آنها را با معارف اسلامی آشنا می‌کردند.

امروزه تحولاتی در زمینه آموزش معارف اسلامی پیش آمده که توجه به آنها می‌تواند نگاه ما را به ابعاد مختلف آموزش معارف اسلامی (مانند برنامه آموزشی تربیت دبیر معارف اسلامی، تالیف کتاب‌های درسی دینی، پژوهش در حوزه تربیت اسلامی، تربیت اساتید دروس معارف اسلامی) دچار دگرگونی اساسی کند.

سوال اساسی این است که چرا باید به آموزش معارف اسلامی - دینی - نگاه تخصصی داشت و چه تخصص‌هایی در این زمینه مورد نیاز است؟ نگاهی دوباره به آموزش معارف اسلامی دربرگیرنده توجه به موارد زیر است:

یک. توجه به علوم تربیتی خاص آموزش معارف اسلامی

علوم تربیتی خاص، آموزش علمی است که به تدریج در قرن اخیر با توجه به پیشرفت سایر علوم برای تأمین بنیان علمی مورد نیاز برای عمل تربیت دینی و کمک به معلمان پدید آمد، ولی در نظام آموزشی ما مورد غفلت قرار گرفت. این علوم شامل دانش‌های زیر است:

۱. روان‌شناسی تحول دینداری

روان‌شناسی تحول دینداری به عنوان یک حوزه مطالعاتی زیرمجموعه روان‌شناسی دین، برای پاسخ به این پرسش که مسیر تحول دینداری از کودکی تا بزرگسالی کدام است، شکل گرفته و گسترشی در

حجم یک شاخه علمی مستقل پیدا کرده است. در ذیل این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی بسیاری مطرح شده است، از جمله: کودک و نوجوان چه تصویری از خدا در ذهن خود خلق می‌کنند و مشتمل بر چه مراحل هستند؟ مراحل تفکر دینی کدامند؟ چگونه فهم انسان از مفاهیمی مانند ایمان، دعا، نبوت، انگیزه دینی، داوری دینی، احساس دینی، کلیسا، کتاب مقدس در طول زندگی متحول می‌شود؟ رابطه باورهای دینی والدین با کودک به چه شکلی است؟ عوامل اجتماعی، تاریخی و وقایع مهم زندگی در تعامل با عوامل شناختی، عاطفی و گرایشی چگونه بر تغییرات در شناخت، احساس و رفتار دینی در فراختای زندگی اثرگذار هستند؟

در پاسخ به پرسش‌هایی مانند پرسش‌های بالا، در طول دهه‌های گذشته، پژوهش‌های فراوانی از دیدگاه روان‌شناختی انجام گرفته که منجر به عرضه نظریه‌های بسیاری در این حوزه شده است. بیشتر نظریه‌پردازان این حوزه، افزون بر توصیف و تبیین تغییرات تحول دینی در طول زندگی، به استلزامات نظریه خود برای آموزش دین، به‌ویژه آموزش دین به کودکان و نوجوانان نیز اشاره کرده‌اند. علت آن نیز این است که دغدغه اصلی عمده نظریه‌پردازان - که از مبلغان و یا محققان علاقه‌مند به آموزش دین بوده‌اند - ارتقاء و اصلاح شیوه‌های آموزش دین و افزایش توانمندی مریبان دینی بوده است.

۲. فلسفه تربیت دینی به طور عام، و فلسفه تربیت دینی خاص کودک و نوجوان

یکی از حوزه‌هایی که تا به امروز کار پژوهشی معتنا بهی در آن ارائه نشده، حوزه فلسفه تربیت دینی است. فلسفه تربیت دینی حوزه‌ای است که در آن چیستی، چگونگی و چرایی تربیت دینی، و مسائل متعدد دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد. رویکردها به فلسفه تربیت دینی در چهار طبقه جای می‌گیرد:

الف) «فلسفه تربیت دینی بالمعنی الاعم» که شامل همه ادیان، اعم از حق و باطل است،

ب) «فلسفه تربیت دینی بالمعنی العام» که فقط شامل ادیان حقه توحیدی است،

ج) «فلسفه تربیت دینی بالمعنی الخاص» که به تعالیم اسلامی محدود می‌شود،

د) «فلسفه تربیت دینی بالمعنی الاخص» که به سه حوزه تربیت اعتقادی، اخلاقی، و عملی اسلام

اختصاص دارد و از ورود به دیگر حوزه‌های تعلیم و تربیت اسلامی می‌پرهیزد.

در بحث چیستی، چگونگی و چرایی تربیت دینی، مسائل متعددی وجود دارد که در کشور ما عمدتاً نظریه‌های دانشمندان غربی مرتبط با آن مطرح شده است، و ما به ندرت در این زمینه پاسخگو بوده‌ایم.

۳. جامعه‌شناسی تربیت دینی

جامعه‌شناسی تربیت دینی در ذیل جامعه‌شناسی دین و در تناظر با آن، رابطه و کارکرد متقابل جامعه (نهادهای جامعه) و تربیت دینی را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر، از طرف دیگر، اهداف جامعه‌شناسی را در فرآیند تربیت دینی جستجو می‌نماید و از سوی دیگر، تأثیر تربیت دینی را در جامعه مشخص می‌سازد. مسلم است که جامعه‌شناسی تربیت دینی به تربیت دینی انسان از منظر اجتماعی می‌پردازد، خواه جامعه خود نیز بر پایه مبانی دینی شکل گرفته باشد، خواه چنین نباشد.

«جامعه‌شناسی تربیت دینی» پاسخی به این پرسش اساسی است که نقش و جایگاه نهادهای اساسی جامعه در ترویج تربیت دینی و در نتیجه تحقق جامعه دینی چیست؟ و چگونه می‌توان به جامعه ایدئال دینی دست یافت که بر مبانی و معارف دینی و توحیدی بنیان شده باشد و احکام و آموزه‌های الهی در آن اجرا شود؟ شیوه ما در پاسخ به این پرسش این است که پس از تبیین مفاهیم اساسی مورد بحث مانند جامعه، نهاد، تربیت، دین و تربیت دینی، ابتدا تصویری از جامعه دینی ترسیم کنیم، سپس مقصودمان را از تربیت دینی به تفصیل شرح داده و اهداف و اصول آن را با رویکرد اسلامی تبیین نماییم، آنگاه جایگاه و نقش نهادهای اساسی جامعه یعنی خانواده، آموزش، اقتصاد و سیاست (حکومت) را در ترویج تربیت دینی که منجر به تحقق جامعه دینی خواهد شد، بررسی کنیم.

روشن است که نهادهای اجتماعی جامعه، با وجود کارکردها و وظایف متفاوتی که برای هر یک از آنها تعریف شده است، در زمینه تربیت به طور عام، و تربیت دینی به طور خاص، تنها در یک شبکه تعاملی و نیز تأثیر و تأثر متقابل در جامعه می‌توانند به خوبی نقش ایفاء کنند و جامعه را به سمت و سوی جامعه دینی سوق دهند. کوتاهی و کم‌کاری هر یک از نهادها، به تنهایی و یا میل به نداشتن تعامل، می‌تواند مسیر و فرآیند تربیت دینی در آن جامعه را کند یا دشوار سازد.

۴. فلسفه برنامه درسی تربیت دینی

فلسفه تعلیم و تربیت درباره ارزش تدریس، یادگیری موضوعات اولویت‌دار و ارزشمندی هر موضوع، بحث می‌کند. در هر تصمیم‌گیری مهم که در مورد برنامه درسی و آموزش در گذشته به عمل آمده و در آینده اتخاذ خواهد شد، فلسفه تعلیم و تربیت دخالت داشته و دارد. فلسفه تعلیم و تربیت نقطه شروع طراحی برنامه درسی و پایه تصمیمات بعدی است. همچنین فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان عنصر اساسی در تعیین اهداف دقیق آموزشی می‌باشد.

در برنامه‌ریزی درسی مسائلی همچون شناخت فراگیر، برنامه درسی، روش‌های تدریس، رابطه معلم

و شاگرد، اهداف، عناوین محتوا و دروس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. فلسفه برنامه درسی درباره هر کدام از موارد یاد شده دیدگاه‌های خاصی دارد که به برنامه‌ریز یا معلم کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ نماید. آنچه یک معلم در فرآیند تربیت یا فرآیند یاددهی - یادگیری به عنوان فعالیت‌های کلاسی انجام می‌دهد، به طور مستقیم با مسائل نظری فلسفی برخاسته از حیطه‌های سه‌گانه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی ارتباط دارد. بلکه علاوه بر آنها شامل مسائل دیگری نیز می‌شود که خاستگاه‌های مختلفی دارند. فلسفه برنامه درسی تربیت دینی همانند فلسفه آموزش ریاضیات، علوم، تاریخ تاثیرگذار در شیوه تدریس معارف اسلامی، و بسیاری دیگر از تصمیم‌گیری‌ها است.

۵. نظریه یادگیری دینی

نظریه‌های یادگیری مرسوم، ویژگی‌های خاص یادگیری معارف دینی را لحاظ نمی‌کند. اساساً باید گفت که آموزش دین و دین‌داری قابل مقایسه با آموزش فیزیک، شیمی و ریاضی و آموزش سایر علوم انسانی نیست. به دلیل اینکه دین‌داری حوزه‌ای است که با کل زندگی انسان سروکار دارد و از همان دوره طفولیت شروع می‌شود و می‌خواهد ما را از این حقایق مادی فراتر برده و با حقایق جهان غیر مادی و با یک نگاه یکپارچه، پیوندی سلسله‌مراتبی برقرار کند، چون باید تصویر بزرگی از هستی ارائه کند، لذا با همه چیز سروکار دارد. بنابراین، به هیچ وجه نباید دین‌داری را مثلاً در کنار آموزش فیزیک یا ریاضی قرار دهیم.

هدف در آموزش علوم طبیعی در بالاترین سطح آن، ایجاد توانایی در خلق دیدگاه جدید یا توانایی در ارزشیابی نظریه‌ها است، اما هدف در آموزش دینی ایجاد شناخت نسبت به تعالیم دینی و ارزش‌گذاری و در نهایت، پذیرش آنها به عنوان راهی برای زندگی و عمل کردن براساس آنها می‌باشد. عمل ارزش‌گذاری و پذیرش سبک زندگی دینی فرد را با امیال، خواسته‌ها و دلبستگی‌هایش درگیر می‌کند و در این فرآیند فرد باید نفس خود را قانع کند که از خواسته‌ها و علائق و دلبستگی‌هایش بگذرد و به زیستن براساس دستورات دینی تن در دهد. به بیان دیگر، در آموزش دین افزون بر اینکه فرد درگیر استدلال عقلانی و شناخت خود و جهان و خدا می‌شود، می‌بایست با دلبستگی‌های خود درگیر شود و وفاداری خود را نسبت به سبک زندگی دینی مورد نظر اظهار کند.

بین تشبیت و زوال شناخت دینی و غیرآن نیز تفاوت وجود دارد، دینداری امری مادام‌العمر است که با مسائل اساسی در ماهیت، چیستی و چرایی زندگی سروکار دارد و در فراز و فرودهای زندگی بسیار آسیب‌پذیر و احتمال طرح شبهه‌ها و مسائل در قالب‌های جدید در تمام طول زندگی ممکن است. از

این‌رو، تثبیت و زوال آن به عواملی بستگی دارد که بسیار متفاوت از مسائل علمی مربوط به شناخت پدیده‌ها و واقعیت‌های بیرونی می‌باشد.

۶. آشنایی با هنر و مهارت‌های هنری

امروزه هنر نقش اساسی در حوزه تربیت دینی دارد. آموزشگر حوزه دین برای انتقال مفاهیم دینی به هنر به عنوان ابزاری اثرگذار نیازمند است. ما در حوزه هنر یعنی آشنایی با هنر و مهارت‌های هنری، و کاربست آن در آموزش با در نظر گرفتن انواع هنر و انواع مهارت‌های هنری، شاید به حدود ۸ واحد درسی نیاز داشته باشیم. در حوزه مهارت آموزش عقاید، اخلاق و احکام - که امروزه آموزش مفاهیم دینی گفته می‌شود - که شامل مهارت‌های آموزش عقاید، اخلاق، احکام، فنون کلاس‌داری کودک و نوجوان، روانشناسی بازی و... می‌شود، همه ناظر به فراگیری مهارت است.

نکته مهم این است که در بحث تربیت دینی، روش‌های تجربی آموزش دینی را هم داریم و بسیاری مسائل پیچیده و نظری را می‌توانیم به صورت محسوس و با بهره‌گیری از تجارب زیسته معلمان دینی آموزش داد.

۷. مشاوره مذهبی

حوزه دیگر، مشاوره مذهبی است. منظور از مشاوره مذهبی کاربرد اجزاء و پاره‌هایی از معارف، مناسک، شعائر و ایمان دینی (مثل: دعا، نیایش و عشق الهی و...) در حل مشکلات روانی متربی است. بنابراین تعریف، در مشاوره اصول و روش‌هایی وجود دارد که یکی از روش‌های آن، چه در امور تحصیلی، شغلی، اخلاقی، عاطفی، روحی و خانوادگی، استفاده از روش‌های دینی و مذهبی است. البته برخی نیز مشاوره مذهبی یا دینی را کاربرد فنون، روش‌ها و تکنولوژی مشاوره علمی در راستای اهداف آموزش معارف دین و حل مشکلات آن معنا کرده‌اند که می‌توان با بهره‌مندی از هر دو نگاه، به تعریفی قابل دفاع از مشاوره دینی دست یافت. به هر حال بسیاری مواقع آموزش‌های نادرست مذهبی و بعضاً توأم با تناقض یا تعارض، فرد را دچار مشکل می‌کند و لازم است آموزشگر دین تا حدودی با فنون و روش‌های مشاوره آشنا باشد تا بتواند مشکلات متربی را با بکارگیری اصول و فنون علمی مشاوره در فضای معارف دینی و در قلمرو آن حل و فصل کند.

دو. توجه به تغییرات در ارکان تربیت دینی (متربی، محتوا، موقعیت و...)

امروزه در مقایسه با گذشته، ارکان تعلیم و تربیت دینی دچار تحول اساسی شده است، یعنی سطح

شناخت، انگیزه، ویژگی‌های احساسی و شخصیتی مریبان امروزی، با دانش‌آموزان و دانشجویان سابق قابل مقایسه نیست. به عبارت دیگر، سطح شناختی دانش‌آموزان و دانشجویان امروزی، به دلیل تحول در ابزارها، متحول شده، احساسات و نیازهایشان تغییر کرده و نگاه آنان عقلانی‌تر شده است. شخصیت کودکان و نوجوانان امروزی سریع‌تر شکل می‌گیرد. مجموعه اطلاعاتی که در پیش از دبستان یا دوره دبستان به بچه‌ها ارائه می‌شود، قابل مقایسه با دوره سابق نیست. به عبارت دیگر، تربیت در دوره کودکی و نوجوانی و شکل‌گیری شخصیت، نسبت به گذشته بسیار جلوتر آمده و زودتر اتفاق می‌افتد.

از طرف دیگر، وسایل آموزشی و کمک آموزشی و تکنولوژی آموزشی نیز کاملاً متفاوت شده است، یعنی اگر قبلاً ما صرفاً با ابزار کتاب روبه‌رو بودیم، امروزه ابزارهایی که می‌تواند در فرآیند یادگیری و یاددهی نقش ایفاء کند هم در جنبه سخت‌افزاری و هم در جنبه نرم‌افزاری بسیار متنوع شده و در عرصه تربیت دینی کودک و نوجوان از این موارد استفاده می‌شود.

امروزه در سطح دنیا انواع مهارت‌ها از جمله مهارت‌های هنری بسیاری آموزش داده می‌شوند. به عنوان نمونه یکی از ابزارهایی که امروزه در حوزه تربیت دینی نقش اساسی دارد، هنر است. لذا، در حوزه تهیه مواد و رسانه‌های آموزشی، ما نه با یک تغییر جزئی، بلکه با یک انقلاب مواجه هستیم. در گذشته شرایط ساده‌تر بود، مثلاً مادران می‌توانستند با یک شعر، یک قاعده یا لاقبل برخی صفات اخلاقی را آموزش بدهند. اما در دوران ما وقتی که محتوا تغییر می‌کند، متربی هم تغییر کرده و اوضاع پیچیده‌تر می‌شود. لذا، با انقلابی که امروزه در این حوزه رخ داده، نیاز به مریبانی داریم که علاوه بر دانش کافی و خلاقیت، در آموزش معارف اسلامی نیز مهارت داشته باشند تا بتوانند به تحول دینی و معنوی کودک و نوجوان کمک کنند.

باید توجه داشت که ما در جامعه و عصری زندگی می‌کنیم که ارتباطات آسان و گسترده، فضایی مساعد برای طرح سوالاتی نو راجع به دین و دینداری فراهم آورده است. از طرف دیگر، انگیزه‌های مادی که مانع پذیرش دین و دینداری هستند، بسیار بیشتر و بیشتر شده است. به تعبیر دیگر، امروزه امور و ابزار زیادی فراهم آمده تا با تحریک هوا و هوس این باور نابجا را به انسان القاء و تحمیل کنند که او در زندگی خود نیازمند دین نیست، بلکه دین مانع پیشرفت و سعادت اوست. همچنین گرایش به زرق و برق زندگی دنیا به عنوان عامل اصلی عدم پذیرش دین، در روزگار کنونی با تنوع زائدالوصفی گسترش یافته که قابل مقایسه با گذشته نیست. بنابراین، در شرایط حاضر که همه چیز متحول شده، نمی‌توان آموزش معارف اسلامی را به شیوه‌های گذشته ادامه داد. لذا بایسته است مهارتی فراخور این نوع از

آموزش تدارک دیده شود تا تحقق اهداف تعلیمات دینی میسر گردد.

سه. توجه به تربیت مدرس و پژوهشگر تربیت دینی

بدیهی است با توجه به موارد پیش گفته، در این حوزه به معلمانی متخصص در زمینه مربی‌گری معارف دینی نیازمندیم که دوره‌های خاص مربی‌گری تربیت دینی و آموزش معارف دینی را گذرانده و در تهیه مواد و رسانه‌های آموزشی، با توجه به تحولات جدید، متخصص باشند. مهم‌تر از همه به پژوهشگرانی نیاز است که عرصه پژوهش این حوزه را پیش ببرند و بتوانند مبانی نظری این حوزه را پشتیبانی کنند، بایسته است تربیت این پژوهشگران با هدف، تأمین محتوا و تألیف و تدوین کتب درسی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته آموزش معارف اسلامی، و ناظر به نیازهای کشور باشد و در این راستا پژوهش‌های عمیق بنیادی و کاربردی انجام شود. همچنین بایسته است در این خصوص در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان، بودجه پژوهشی لازم تخصیص یابد و در سطوح پایین‌تر، بویژه در سطح آموزش و پرورش، سیاست‌گذاری با عنایت به ضرورت پژوهش در این حوزه انجام گیرد.

بدیهی است به موازات تولید مواد و رسانه آموزشی متناسب نباید از تربیت معلم دینی، و تدوین برنامه مدیریت مدارس غفلت نمود، لذا برای پیشبرد این مهم همواره نیازمند افرادی هستیم که از یک منظر به عنوان پژوهشگر و متخصص بتوانند این کارها را رصد کنند، و دائماً در این حوزه تولید علم نمایند، و از منظر دیگر در یک فرآیند عملیاتی نیاز به افرادی داریم که به طور مستمر نتایج پژوهش‌های انجام شده را در مقام عمل به منصفه ظهور بگذارند. مقدم بر این ضروری است نگاه به آموزش دین و دروس معارف اسلامی، به نگاهی تخصصی تغییر یابد، به شکلی که این رشته علمی در سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ارائه شده و متخصصینی برای سطوح مختلف تربیت شود. بنابراین، به برنامه‌ای جامع و مدون جهت تربیت متخصص در آموزش معارف اسلامی نیاز بوده و باید این رشته ابتدا دقیقاً تعریف شود و ضرورت، اهداف، موضوع، مواد درسی، قلمرو مسائل این رشته و تمایزات و تشابهات آن با سایر رشته‌های مرتبط، مشخص گردد.

روشن است که این ایده، تلاش‌های دانشگاه معارف اسلامی و مجموعه رشته‌های ۵ گانه مدرسی معارف اسلامی را نادیده نمی‌انگارد، بلکه از ضرورت توجه به مقوله «آموزش معارف اسلامی» سخن می‌گوید و بر این باور است که در رشته‌های مدرسی معارف اسلامی و سرفصل‌های آن، چنین رویکردی کم‌رنگ و یا مورد غفلت است.

چهار. توجه به هدف تربیت دینی

باید توجه داشت که تربیت دینی به معنای صرف بیان آموزه‌های معارف اسلامی و یا انتقال معارف اسلامی به کودکان و نوجوانان نیست، بلکه آموزش معارف اسلامی در واقع مقدمه دین‌داری بوده و هدف اصلی آن، تربیت انسان‌های دین‌دار است. در واقع تربیت دینی به معنای پرورش دین‌داری بوده و منظور از دین‌داری پایبندی و ایمان مستحکم به دین است. دین برای سعادت، فلاح و رستگاری انسان آمده است. لذا، تربیت دینی یعنی تربیت انسان سعادت‌مند؛ چون سعادت، یک نیاز فطری انسان است، بنابراین، تربیت دینی یعنی اینکه افراد طوری تربیت شوند که بتوانند پاسخگوی نیازهای در حال رشد دوران کودکی و نوجوانی خود باشند و سعادت‌مندی و خوشبختی را در خود تحقق ببخشند. توضیح بیشتر اینکه تربیت دینی یعنی پاسخگویی به نیازهای فطری که افراد دائماً با آن مواجه هستند. با توجه به اینکه فطرت هم خود امری متحول شونده است، باید این نوع تربیت به گونه‌ای رقم بخورد که نیازهای فطری کودک و نوجوان و دوره‌های بعدی را پاسخ بدهد. لذا، وقتی که قرار شد به تربیت دینی و نیازهای فکری کودک پاسخ داده شود، در واقع فطرت‌شناسی و کشف نیازهای فطری انسان و شناخت نیازها، روحیات و سایر زوایای دوره‌ی کودکی، نوجوانی و جوانی ضروری و بر فراگیری دانش معارف اسلامی مقدم خواهد بود.

در واقع دین بستری خواهد بود که این نیازها در آن رشد می‌کنند. به عبارت دیگر، از همان ابتدا نگاه ما به این سمت و سو نخواهد بود که مثلاً چه بخشی از معارف اسلامی را آموزش بدهیم، بلکه در ابتدا توجه ما به نیاز دوره کودکی، نوجوانی یا جوانی معطوف خواهد شد، و با کودک‌شناسی، نوجوان‌شناسی یا جوان‌شناسی، نیاز کودک، نوجوان یا جوان را به دین کشف می‌کنیم و از منظر نیاز مخاطب به سراغ آموزه‌های دینی می‌رویم و مطابق نیاز و دیگر شرایط متربی از دین به او می‌آموزیم.

در این نگاه، دین به منزله منبع داروی شفابخش و معلم دینی به‌مثابه یک طیب است - طیب دواژ - بطبه - که از این داروخانه دارو را انتخاب کرده و طبق نیاز متربی، به او منتقل می‌کند، این نوع دیدگاه اساساً نگاه ما را در انتخاب محتوا تغییر خواهد داد. بنابراین، به نظر می‌رسد، موضوع مورد بررسی در این رشته، در واقع پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر متربی در مسیر رسیدن به سعادت است. به این معنا که دین می‌خواهد نگاه متربی را به دنیا تغییر داده و به وی نشان دهد که این دنیا و این هستی، ورای جنبه‌های محدود مادی و حتی حقایق غیرمادی است، بلکه انسان یک ظرفیت عظیمی دارد که می‌تواند خلیفه‌الله باشد، انسان عاقبتی خدایی دارد. همه اینها محورهای اساسی است که باید در تربیت دینی مد

نظر قرار بگیرد. انسان سرانجامی دارد، یک حیات لذت‌مندتر، شیرین‌تر از حیات دنیوی، با عنوان آخرت و بهشت و تقرب الی‌الله را در پیش دارد. در واقع معنای لذت و رنج باید تغییر کند، یعنی در تربیت دینی باید نشان داده شود که معنای لذت و رنج، صرفاً همین لذت و رنج مادی نیست، و لذت و رنج‌های بالاتری وجود دارند که غفلت از آنها می‌تواند مانع سعادت و رستگاری انسان شود.

در تربیت دینی باید مولفه‌های یک زندگی دینی، معنوی و سعادت‌مندانه مشخص شود. به عبارت دیگر، باید نیازهای دوره طفولیت، پیش دبستانی، دبستان، ابتدایی اول، ابتدایی دوم، متوسطه اول و متوسطه دوم دقیق مشخص شود. باید مشخص کرد چگونه می‌توان کودک را به گونه‌ای پرورش داد که در پایان دوره دبیرستان، زندگی دینی را به عنوان راه آینده خود برگزیند. بنابراین، این شیوه و این فرآیند، به جای اینکه معارف محور باشد، نیازمحور است، یعنی توجه داشته باشیم که دین می‌خواهد جهت‌نمای قلب را تغییر دهد و انسان‌ها را به گونه‌ای تربیت کند که از ذکر و یاد خدا لذت ببرند، یعنی دقیقاً همان چیزهایی که فطرت به دنبال آن است.

پنج. فصلنامه پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی

دانشگاه فرهنگیان از محدود دانشگاه‌هایی است که مأموریت اصلی آن تربیت معلمان مقاطع مختلف آموزش و پرورش است. در برنامه درسی تربیت معلم این دانشگاه، ۱۶ واحد مطابق مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (مانند سایر دانشگاه‌ها) به دروس معارف اسلامی اختصاص داده شده و نیز به صورت کاملاً اختصاصی و ممتاز ۱۹ واحد از برنامه درسی این دانشگاه با عنوان دروس تعلیم و تربیت اسلامی خوانده شده است.

جهت برنامه‌ریزی کلان، پشتیبانی محتوایی و علمی و نیز توانمندسازی اساتید ۳۵ واحد مذکور، معاونت آموزش این دانشگاه دبیرخانه‌ای به نام دبیرخانه هماهنگی گروه‌های معارف و تربیت اسلامی را تأسیس نموده و فصلنامه پیش‌رو با اهداف و ایده‌های مذکور در صفحات پیشین درصدد است تا گفتمان علمی حوزه آموزش معارف اسلامی را به مثابه حوزه تخصصی «آموزش مضاف» گسترش دهد و زمینه تولید و ترویج نظریات تخصصی را فراهم نماید. شایان ذکر است که گستره وسیع «آموزش دین»/ «تربیت دینی» به معنای عام و «آموزش خاص» [دروس خاص معارف اسلامی (۱۶ واحد) و دروس خاص تعلیم و تربیت اسلامی (۱۹ واحد)] مشمول نظام موضوعات این نشریه خواهد بود.

از منظری دیگر، دانشگاه فرهنگیان به دلیل ماهیت خود، آموزش دین را، هم در سطح آموزش عالی و هم آموزش و پرورش عرضه می‌نماید. از یک‌سو مانند دیگر دانشگاه‌های ایران دروس عمومی معارف

اسلامی را به دانشجویان خود عرضه می‌کند و از سویی دیگر، در بعضی از رشته‌ها تلاش می‌کند معلمانی را تربیت نماید که به صورت عام و یا به صورت ویژه، دین را به دانش‌آموزان آموزش دهند.

دانشجو معلمان و اساتید دانشگاه فرهنگیان، معلمان شاغل در آموزش و پرورش و اساتید محترم سایر دانشگاه‌ها که به طور مستقیم با مقوله آموزش سروکار دارند - و تجارب زیسته خوبی در این خصوص دارند -، می‌توانند در این مسیر - با ارسال مقالات علمی مرتبط خود - این فصلنامه را رونق بخشند. بدیهی است دانش علوم تربیتی به معنای خاص آموزش معارف - که در طلیعه این سخن به طور مستوفی توضیح آن گذشت - می‌تواند محور اصلی مباحث این نشریه باشد.

کُندی در تولید علم در این حوزه دور از انتظار نیست، لذا باید صبوری پیشه کرد و ممکن است تمام مقالات هر شماره به صورت کامل به «آموزش معارف و تربیت اسلامی» به معنای خاص اختصاص نیابد و به مبانی و یا مباحث پیرامونی بپردازد.

در پایان انتظار می‌رود عموم اندیشوران، بویژه آنان که دل در گرو تعمیق اندیشه ناب اسلامی و گسترش دینداری در سطح جامعه و تحقق امت فرهیخته مهدوی دارند، در جهت تولید دانش بومی آموزش معارف و به بار نشستن این هدف مقدس تلاش نمایند.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/riet.2020.1498

زارعی رضایی، محمدحسین (۱۳۹۹). نگاهی دوباره به آموزش معارف اسلامی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، (۱)، ص ۷-۱۸.